

دزدی، علل و درمان آن

● هسته مشاوره تربیتی استان کردستان

تعریف دزدی:

دزدی عملی است که فرد بدون اطلاع و رضایت صاحب اصلی، شیئی یا اشیا شخصی را برداشته و قصد تملک در آن را داشته باشد و این مسئله بدون در نظر گرفتن اهداف و انگیزه‌های آن، دزدی محسوب گشته و باعث پیدایش نگرانی و نازاحتی در صاحب اصلی شده و در فرد مرتکب این عمل می‌تواند یک شخصیت اجتماعی جدید ایجاد کند که منجر به ادامه و تکرار چنین عملی شده و وی را در گرداب این عمل غرق کند.

از نظر دینی عمل دزدی فعل حرامی بوده و فرد در برابر اشیا دزدیده شده ضامن بوده و باید اصل شیئی یا در صورت صدمه دیدن و با ازین رفتن اصل شیئی، عین آن را به صاحبش بپردازد.

انواع دزدی

دزدی ممکن است به صورت انفرادی یا دسته جمعی انجام گیرد. در دزدیهای دسته جمعی ممکن است فرد با دیگران به دزدی بپردازد و با اینکه مسئولیت مراقبت از افراد دیگر در مقابل نیروهای انتظامی را بعهده داشته باشد.

بزهکاری گروهی خطرناکترین شکل ارتکاب جرم است. مجرمین که به شکل فردی، مرتکب جرم می‌شوند، اغلب با بی‌تجربگی و سادگی اقدامات خود را انجام می‌دهند ولی جرائمی که بطور گروهی انجام می‌شود همراه با تفکر و طرح نقشه و ایجاد تشکیلات، ویا بکار بردن ابزار لازم در مواقع مناسب.

افراد با هوش معمولاً اشیا مورد نیاز خود را سرقت می‌کنند و دزدی این افراد غالباً زود آشکار نمی‌شود. در

حالی که دزدی کودکان عقب افتاده به علت عدم رشد کافی هوشی خیلی زود آشکار می‌گردد. حتی نوع شیئی سرقت شده نیز در افراد با هوش و کودکان عقب افتاده با یکدیگر تفاوت دارد.^۲

علائم و نشانه‌های دزدی

علائم و نشانه‌های دزدی متناسب با جوامع مختلف و گوناگونی فرهنگ‌ها و اینکه دزدی چگونه انجام می‌گیرد متفاوت می‌باشد که ما در اینجا به تعداد مهمی از این علائم مشترک می‌پردازیم.

برداشتن و پنهان ساختن مایملک دیگران

فرد بدون توجه به رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران به انگیزه‌های مختلف به پنهان ساختن اشیا دیگران می‌پردازد و از این طریق حق دیگران را ساقط می‌کند و خود به استفاده ناحق از اشیا دزدیده شده بنفع خویش می‌پردازد.

انکار خلاف بودن دزدی

چون دزدی دارای فح و زشتی بوده و افراد بیم آن دارند که با کشف اسرار آنان و افشاء دزدی آنان ریخته شود، خود به انکار عمل دزدی پرداخته و خود را چهره‌ای موجه در برابر دیدگان دیگران جلوه می‌دهند و در حقیقت با انکار عمل دزدی آمادگی بیشتری از نظر روحی و شخصیتی برای ارتکاب جرم پیدا می‌کنند. گاهی ربودن اشیا بی که فرد به آنها نیازی ندارد؛

شیئی دزدیده شده برای استفاده نیست و دیگر جنبه‌ها از جمله انتقامجویی، سرگرمی، خوشمزگی، جلب منفعت و غیره باعث دزدی فرد یا افراد می‌گردد و یا در یک شکل دیگر جنبه مرضی برای فرد دارد، یعنی اینکه دزدی ممکن است به صورت یک واکنش نوروتیک مثلاً در جریان یک حمله هیستریک یا فرار غیر ارادی یا فراموشی دیده شود یا به علت وسوسه‌ها و فشارهای درونی و وسواسی باشد که به ان کلبتومانی (دزدی سیمارگون) گویند. در این صورت شیئی دزدیده شده ممکن است حتی دارای جنبه ارزش سمبولیک باشد این نوع دزدی ربطی به احتیاج مادی شخص ندارد.^۳

بی‌توجهی و نادیده انگاشتن حقوق دیگران

درک عوامل «اجتماعی - روانی» در شناخت ماهیت

و مکانیزم بزهکاری در نوجوانان حائز اهمیت است. واقعیت این است که: این عوامل بستگی دارد به تجربیات زندگی فرد، موفقیت‌ها و اتفاقاتی که فرد در مقابل آنها قرار می‌گیرد و طرز واکنش او در مقابله با آن مشکلات.^۱

کودک دو - سه ساله بین مال خودش و مال دیگران چندان فرقی نمی‌گذارد و حدود مالکیت را خوب نمی‌شناسد دستش به هر چیز رسید می‌خواهد آن را تصاحب کند. هر چیزی بنظرش جالب آمده می‌خواهد آن را بردارد.^۲

کلمه دزدی در دو سال اول زندگی نباید به کار برده شود زیرا کودک هنوز با مفهوم مالکیت آشنا نیست. به عبارت دیگر نمی‌تواند مال خودش را از دیگران تشخیص دهد. مثلاً کودک دو ساله ای که لوازم معمولی خانه را برای بازی برمی‌دارد یا آنها را در جایی پنهان می‌کند دزدی نکرده است.^۳ ولی اگر کودک یاد نگیرد که هر کس دارای حقوق ویژه‌ای می‌باشد و احترام به حقوق دیگران باعث حفظ اموال و احترام خویش می‌گردد، در نتیجه نمی‌تواند به رعایت حقوق دیگران پرداخته و از این نظر اموال دیگران را بدون اطلاع و رضایت آنان به نفع خود پنهان می‌سازد. و این عمل با چشم پوشی و نادیده گرفتن و یا با پاسخهای دیگر تقویت شده از کودک یک سارق ساخته می‌شود.

ناسازگاری اجتماعی

اگر سرفت، نشانه ناسازگاری اجتماعی جوان باشد با دروغ‌گویی و صفات ناپسند دیگر همراه است. در این مرحله از زندگی، در رفتار و کردار کودک یا جوان، صفت ناپسند با رفتاری معین تجلی خواهد کرد که عاقبت آن منجر به خلافکاری و بزهکاری خواهد شد.^۴

بزهکاری نوجوانان از نظر روان پزشکی یکی از اشکال اجتماعی ناسازگاری اطفال می‌باشد و چنانکه لاوری می‌گوید: «سلوک و رفتاری که خود شخص را ارضاء نماید ولی مورد قبول و پسند جامعه نباشد سلوک دشوار یا بزهکاری و حتی در بعضی موارد خیانت نامیده می‌شود.»^۵ بانوی دانشمند آلمانی - انگلیسی کیت فریدلند در کتاب خود به نام تحقیق در جرم جوانان از راه پسیکانالیزنشان داده است حس دشمنی با اجتماع و طایف‌گری که از صفات بارز مجرمان جوان است در سالهای ابتدای کودکی در خانواده بوجود آمده است. در نظر این دانشمند خانواده مهمترین علت تکوین وضع روانی است که کودک را به سوی مجرم شدن سوق می‌دهد.^۶

هرگاه فشار عوامل نامساعد بیش از توانایی و مقاومت یا قدرت سازگاری کودک باشد در او واکنشهای غیر عادی ایجاد کرده و باعث بحرانهای عاطفی حاد ولی گذرا و ناپایدار می‌شود. در اکثر موارد چون عوامل نامطلوب مدت زیادی باقی نمی‌مانند کودک خود به خود و بتدریج تعدیل شده و به رفتار عادی برمی‌گردد. ولی اگر این عوامل با برجا باشند کم کم واکنشهای غیر عادی کودک شدت یافته و بصورت ناسازگاری شدید بروز می‌کند. ناسازگاریهای واکنشی ممکن است در محیط خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی روی دهد.^۷

تغییرات بزرگ و سریع اجتماعی مانند بیکاری، جنگ، از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و گرسنگی، اعتیاد و تماس دائمی آن، معیارهای اخلاقی و فرهنگی مغایر با معیارهای خانوادگی احتمالاً به ناسازگاریهای کودک می‌انجامد. همانطور که محیط قادر است موجبات آسایش و لذت را فراهم سازد و افراد سالم و سازگار پرورش دهد. مسلماً این توانایی را خواهد داشت که درد و ناراحتی تولید کند و افراد ناسازگار و مجرم پرورش دهد.

علت روزافزون بودن ناسازگاریهای کودکان و نوجوانان را در سالهای اخیر، کاهش و انحطاط ارزشهای اخلاقی، تغییرات سریع اجتماعی، پیچیدگی‌های بسیار شدید و غیر قابل درک زندگی، از هم گسستن خانواده‌ها، استفاده از مواد مخدر و الکل و نظایر آن می‌دانند. صرف نظر از محیط خانواده و مدرسه، یکی از عوامل مهم اجتماعی که ذکرش ضروری به نظر می‌رسد اثر وسایل ارتباط جمعی است. سینما، تلویزیون، رادیو، تئاتر و مطبوعات هر کدام سهم بسزائی در ناسازگاری و رفتارهای غیر اجتماعی و حتی ارتکاب جرم دارند. اگر نوجوانی دزدی می‌کند یا بزهکار است و ضمناً از نظر هوشی در حد متوسط و عادی جامعه است باید او را در زمره ناسازگاران اجتماعی قرار داد.^۸

بی کفایتی و عدم اعتماد به نفس (تن پروری کاذب)

عده‌ای از کسانی که دست به سرقت اموال دیگران می‌زنند دارای روحیه تحقیر شده بوده و افرادی هستند که از توانائیهای خود بقدر کافی استفاده نمی‌برند. اینان در برخورد با جامعه همچون انگل و زالو خود را به بیکره جامعه می‌چسبانند و از طریق تلکه گرفتن، رشوه‌خواری، تهدید و ارباب و دزدی زندگی خود را می‌گذرانند. در حقیقت اینها کسانی هستند که با تن پروری‌های کاذب

خود همه قوانین مورد احترام جامعه را نادیده گرفته و به هنجارهای اجتماعی توجهی ندارند. نمونه‌های خیلی موجه این عمل را در جامعه می‌توان گدایان ولگرد در سطح شهرها ذکر کرد که بدون انجام دادن کاری مفید با پرروئی و گاهی هم با صحنه‌سازیهای عاطفه برانگیز و رقت بار و گاهی هم با عشوه‌گریهای منجر به جرمهای دیگر به گرفتن پول از رهگذران می‌پردازند.

فرار از منزل و مدرسه، فرار از مدرسه.

بیشتر در کودکان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپاتها، حالت اضطراب شدید و نظایر آن دیده می‌شود. در این حالت کودک از مدرسه فرار می‌کند و به منزل نمی‌رود. پدر و مادر از غیبت کودک از مدرسه اطلاعی ندارند، یعنی در حقیقت کودک از مدرسه و منزل هر دو می‌گریزد، این کودکان با عمل خود مقررات مدرسه را زیر پا می‌گذارند و از قوانین متداول خانوادگی و اجتماعی پیروی نمی‌کنند. اکثر بعد از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خود و دیگر ولگردان به قمار، دزدی و رفتارهای سایکوپاتیک می‌پردازند یا اینکه بدون هدف معین در خیابانها پرسه می‌زنند. این کودکان اغلب کم استعداد و بیشتر در تطابق و سازش خود با محیط‌های خانوادگی و تحصیلی اشکال دارند. شرایط خانوادگی این کودکان معمولاً ناگوار است.^{۱۲} و در نتیجه آمادگی لازم را برای انجام بزه دارند و با کمترین جرعه دست به هر کار نامشروعی می‌زنند.

دروغگویی

خانم ماربا مونتسوری در مورد دروغگویی می‌گوید: کاربرد زور و تحمیل کارهایی که مطابق میل کودک نباشد، موجب عصبانیت کودک می‌گردد و چون قدرت مقابله با بزرگترها را ندارد واکنشهایی از جمله دروغگویی، ترس، خجالت، گوشه‌گیری نشان می‌دهد.^{۱۳} از خصوصیات فردی که دزدی کرده، دروغگویی می‌باشد و با اضطراب و تشویشی که از نتیجه عمل خود دارد به کتمان راز خویش پرداخته و بدینوسیله بر خود فشار می‌آورد تا از خود چهره‌ای طبیعی و موجه ارائه کند که نهایتاً در یک فعل و انفعالات شیمیایی ناشی از ترشح هورمونها مخصوصاً در معده دچار انواع بیماریهای سایکوسوماتیک و روان‌نژندی می‌گردد.

مخفی ساختن وسایل دزدیده شده:

یکی از نشانه‌های دزدی این است که همیشه فرد برای مخفی کردن اشیاء دزدیده شده مترصد بوده و به تغییر و جابجائی دائمی آن می‌پردازد. معمولاً چنین کودکانی در خرابه‌های نزدیک منزل و یا در درون حیاط خانه نزدیک انباری و لانه حیوانات جاهائی را تعبیه می‌کنند که جنس سرقت شده را در آن پنهان سازند. از طرف دیگر با سرزدنهای پیاپی به محل اختفاء اموال همیشه در یک نگرانی دائمی بسر می‌برند و نسبت به دیگران با دیده شک و تردید می‌نگرند.

برخاشگری و ضرر رساندن به اطرافیان

علامت دیگر فردی که مرتکب دزدی شده این است که به برخاشگری و درگیری با دیگران می‌پردازد و برای حفظ موقعیت خویش از وارد کردن ضرر و ضربه زدن به اموال دیگران باکی ندارد و پیوسته در این فکر است که مقاصد خود را چگونه به انجام برساند که باعث شود دیگران مزاحمتی برای وی فراهم نکنند. اگر دیگران مبادرت به ایجاد مزاحمت کنند، او نیز به مقابله بر می‌خیزد و به دیگران آسیب وارد می‌سازد که این عمل منجر به پیدایش شخصیتی ضد اجتماعی Antysocial شده و فرد بجایی می‌رسد که دیگران از او حساب برده و برای حفظ آبرو و حیثیت خود از او ترسیده و به او باج می‌پردازند. نمونه‌های بارز سرنوشت چنین شخصیتهایی را می‌توان روزانه در روزنامه‌های کثیرالانتشار دید.

گرانفروشی

گرانفروشی نیز در شرایط و وضعیت جامعه‌ای که دچار تنش است نوعی دزدی می‌باشد. گفته می‌شود: دگرگونی‌های صنعتی، علمی و فنی شرایط زندگی نوئی را به جماعات تحمیل می‌کند. محدودیت‌های مادی (فیزیکی) نیز احتمالاً می‌تواند منجر به تشدید نابسامانی اجتماعی شود.^{۱۴} فرد با محدودیت درآمد و فشار مادی زندگی گرانفروشی را حربه‌ای می‌یابد برای تامین معاش خود و خانواده که بر اثر تمرین و تکرار زمینه جرم‌زائی افراد خانواده و خود را کم کم فراهم می‌سازد. و در حقیقت با توجه وضعیت اقتصادی جامعه به دزدی محرمانه می‌پردازد.

کم کاری و اتلاف وقت

این هم نمونه دیگری از دزدی است که فرد به انگیزه‌های مختلف از زمان مفید کار زده و با سرگرم کردن خود به واحد کار تولیدی و خدماتی خویش ضرر و زیان وارد می‌سازد. مشهور است که در کشورهای سوسیالیستی بخاطر نبودن انگیزه کار، افراد برای فرار از کار خود را به انواع کارهای دیگر سرگرم می‌کنند تا بتوانند با اتلاف وقت از زیر فشار کار رهایی یابند. بیشترین وقت این افراد صرف رفتن بی در پی به توالی‌های محل کار و جرت زدن و سیگار کشیدن و صرف جای قهوه و... می‌گذرد.



احساس حقارت

خانه به عنوان یک واحد طبیعی، محلی است که کودک در آن صفا، صمیمیت، محبت ایشاره، گذشت، اعتماد بنفس و دیگر محاسن زندگی را از پدر و مادر خود دریافت می‌کند و در واقع، خانه را به عنوان کلاس اول زندگی خود تلقی می‌کند.^{۱۵} هر کودک، طریق خاصی برای زندگی کردن و ارتباط با دیگر اعضای خانواده دارد، که مخصوص به خود اوست و بستگی به خوی و خلق و جنسیت و موقعیت و سلسله مراتب خانواده دارد. هریک از افراد خانواده در این شبکه ارتباطی قادر است فقط به جهات و اصولی بنگرد که موقعیت او برایش فراهم می‌سازد.^{۱۶} در سوابق اکثر بزه‌کارانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند عامل فقدان عاطفی موجود بوده ولی در این موارد عامل دیگری هم در بروز بزه‌کاری دخالت داشته منتهی فقدان عاطفی، عامل اصلی بوده است.^{۱۷}

نقص یا کمبود جسمانی، فکری یا اجتماعی، بخودی خود به احساس حقارت منجر نمی‌شود. بلکه خود آگاهی شدید شخص نسبت به این نقصها و احساس حقارت ناشی از آن، بیشتر معلول عوامل محیطی است.^{۱۸} فرد اگر نتواند با زیر ساختهای شخصیتی خود تعادل روانی خویش را حفظ کند دچار احساس حقارت شده و برای از بین بردن این احساس، دزدی یکی از راههای کسب موقعیتهای جدیدی است که وی را ارضا می‌کند. چرا که وی می‌تواند با اموال دزدیده شده به تهیه امکاناتی بپردازد که باعث غبطه دیگران شود و یا اینکه با اموال دزدی و خرج کردن آن برای دیگران به جذب دوستان و تشکیل پایگاه اجتماعی خاص برای خود بپردازد.

جیب‌بری (دله دزدی)

جیب‌بری بیشترین نوجوانان و کودکان مشاهده می‌شود و آمار نشان می‌دهد که بزرگسالان مرد وزن نیزیبه این کار می‌پردازند و بیشتر جنبه سیر کردن شکم برای سارق داشته و معمولاً مربوط به کودکان و نوجوانانی هست که بخاطر عدم توجه والدین و ولگردی و معاشرت با افراد سابقه دار در کوچه و بازار بخصوص در جاهای پر رفت و آمد انجام می‌گیرد و در همین ارتباط آسیب شناسان اجتماعی می‌گویند پدر و مادری که به علت کثرت کار کودکان خود را به دایه یا کلفت می‌سپارند و به جای مهر و محبت با دادن پول یا خرید اسباب بازی کودک را مشغول می‌کنند در واقع این تصور را در کودک ایجاد می‌کنند که اشیاء و لوازم به منزله عشق و محبت است. به این ترتیب کودک خیال می‌کند داشتن پول یا اسباب بازی به معنی داشتن مهر و محبت است.

بنابراین هر چه را که می‌بیند مایل است به دست بیاورد و در صورت ناکامی اقدام به دزدی می‌کند.^{۱۹}

